



عدل

جواد طوسی
tousi.javad@gmail.com



شهرشلوغ

پیرمرد در گوشه‌ای از میدان پسادوره میدان در حرکت بودند و به هم تنه می زدند، خودم را به پیرمرد رساندم و همراه با نگاه کردن به وسایلی که در معرض فروش قرار داده بود، از زیر چشم بدون آنکه متوجه شود، براندازش می کردم. به نظر می رسید حول و حوش ۷۵ سال دارم و زیر چشمان درشتش گود افتاده بود. یک برس پلاستیکی و یک بسته باتری قلمی و یک ناخن گیر و یک جفت جوراب برداشتم و بدون آنکه قیمت‌شان را ببرسم، مبلغی به او دادم. وقتی داشت اسکناس‌ها را می شمرد، دستانتش می‌آرزید. بعد گفت: «اینکه خیلی زیاده». گفتم: «باشه، یا علی...» قصد دور شدن از آنجا را داشتم که دیدم با دست لرزانش مچ دستم را گرفت و گفت: «می‌دویم این آت و آتشال‌های من به درد نمی‌خوره و همین‌طوری اونارو برداشتـــی... مثنی این ترجم که نبوده؟» غروری که با آن لهجه تهرانی ادا شد، حسایی من را به هم ریخت. دست دیگرم را که از آاد بود گذاشتم روی دست مردانه‌اش و آهسته گفتم: «آدم بغیرت که احتیاج به ترجم ندارم».

آن طرف میدان که رسیدم، دیگر کم آورد. بغض گلویم را گرفته بود و نگاه و حرف‌های پیرمرد دستغرفش از ذهنم بیرون نمی‌رفت. یک زن اطواری که بوی تنی عطرش بدجوری او را تا بلبو کرده بود کنار ایستاد و با موبایلش برای آن طرف خط عشمو می‌آمد. رویم را بر برگرداندم تا شاید بتوانم در آن شلوغی و ازدحام، کمی با خود خلوت کنم. چشمم افتاد تو چشم مرد ژولیده و حیرانی که داشت می‌خندید یا با خودش حرف می‌زد. صدای مرد راننده کرایه در میان عبور و مرور اتومبیل‌ها به گوش می رسید: «میدون خراسون دو نفر... بدو که افسر اومد». زنی میانسالی دستش را از زیر چادر رنگ و رو رفته مشک‌شای بیرون آورده بود و یک دسته فال حافظ را به فرس و نگهدارن بی‌تفاوت گرفته بود و اصلاً بلد نبود برای فروش فال‌هایش بازار گرمی کند. ناخودآگاه یاد صحنه آخر فیلم «هر نرینه» ماند. یارناری توی «میدان شوش» اقدام. انکار چیزی عوض نشده... گونه خیسم در جست‌وجوی راهی به سوی «عدالت» بود.

سکانس آخر

فیلم مستند «درپای چه» در کارگاه آزاد فیلم علیرضا رفوگران در مدرسه سینمایی مسعود کیمیایی به نمایش درمی‌آید. این فیلم مستند الهام گرفته از زندگی‌نامه «چه گوراه» است که علیرضا رفوگران برای ساخت آن چهار سال را در کشورهای امریکای جنوبی و اروپا به دنبال «درپای چه گوراه» گذرانده است. بر اساس این گزارش، این فیلم مستند دو ویژگی مهم دارد. اول اینکه برخلاف فیلم‌های مستندتی که درباره زندگی شخصیت‌های سیاسی- انقلابی مهم ساخته می‌شود و در بسیاری موارد تکیه می‌شود بر جذابیت این فیلم مستند افزوده است. فیلم مستند «درپای چه» روز چهارشنبه هفتم مهرماه ساعت ۱۸ در مدرسه سینمایی مسعود کیمیایی (کارگاه آزاد فیلم) به نمایش درمی‌آید.

فیلم مستند «درپای چه» در کارگاه آزاد فیلم علیرضا رفوگران در مدرسه سینمایی مسعود کیمیایی به نمایش درمی‌آید.



توجه به علاقه‌اش به زندگی این اسطوره چپ چندین سال را در کشورهای مختلف امریکای لاتین گذرانده و با بسیاری از افراد، هم‌زمان و حتی قاتلان چه‌گوراه دیدار و گفت‌وگو داشته است و همین بر جذابیت این فیلم مستند افزوده است. فیلم مستند «درپای چه» روز چهارشنبه هفتم مهرماه ساعت ۱۸ در مدرسه سینمایی مسعود کیمیایی (کارگاه آزاد فیلم) به نمایش درمی‌آید.

مانتل برنده جایزه کتایفروشان انگلیسی

«میلاری مثلن» نویسنده انگلیسی و برنده جایزه ادبی «هن‌یوکر» موفق شد جایزه کتایفروشان مستقل انگلیس را به خاطر نگارش رمان «هالن گرگ» به نام خود ثبت کند. «میلاری مثلن گر» کتاب «مایکل مورپر گو» نویسنده کودک و نوجوان و خالق «وحشی شدن» موفق شدند این جایزه را به نام خود ثبت کنند. هیات داوران این دوره از جایزه کتایفروشان مستقل انگلیس پس از بررسی آثار منتشرشده از سوی نشران در حوزه ادبی برای گروه‌های سنی بزرگسال و کودک و نوجوان، رمان «هالن گرگ» و کتاب «وحشی شدن» را شایسته دریافت این جایزه دانست. مراسم اهدای این جایزه روز دوشنبه بیست و هفتم سپتامبر در محل موسسه نشران مستقل انگلیس و با حضور هیات داوران و جمعی از نویسندگان و منتقد ادبی برگزار شد.

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آراشتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۵۸۷۵ -
تمایر: ۸۸۶۷۷۶۹۹
توزیع: شرکت ناوآوران جهان رسانه ایرسا -
تلفن: ۸۸۸۲۳۳۹۰
امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق
چاپ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹
تلفن ۷- ۶۶۸۲۳۳۶۶

سال پنجم: شماره پیاپی ۱۰۷۴، شماره ۱۵۰ دوره جدید ۷مهر ۱۳۸۹، ۲۰ شوال ۱۴۳۱، ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۰

آخر

گزارش آخر: برترین فیلم‌های ورزشی جهان به انتخاب «امپایر»

دوربین بزرگان و این بار ورزش



استالونه نوشت و فیلم را جان جی اولدلسن کارگردانی کرد. این

فیلم تنها با ۱/۲ میلیون دلار و در ۲۸ روز ساخته شد. راکی بالبو ا برنده سه جایزه اسکار از جمله اسکار بهترین فیلم شد و استالونه را که تا آن زمان بازیگری درجه چندم بود به اوج شهرت رساند. پنج دنباله بر فیلم ساخته شد: «راکی ۲» (استالونه، ۱۹۷۹)، «راکی ۳» (استالونه، ۱۹۸۲)، «راکی ۴» (استالونه، ۱۹۸۵)، «راکی ۵» (اولدلسن، ۱۹۹۰) و این اواخر «راکی بالبو» (استالونه، ۲۰۰۶).

■ **«کاو خشمگین»**

جیک لاموتا انقدر در سینما شهرت دارد که دیگر هیچ نظرسنجی نیست که در آن این مشتزن صعبانگر سرآمد نباشد. مارتین اسکورسیزی در این فیلم از مشتزن میان‌مایه‌ای قصاصش می‌سازد که خشم و نانی او را از بدمی‌آورد. این فیلم محصول سال ۱۹۸۰ کمپانی امریکایی یونایتد آر تیستز است. فیلمنامه فیلم را پل شرارد و مادریک مارتین بر اساس کتاب «کاو خشمگین: داستان من» که زندگینامه جیک لاموتا مشتزن میان‌وزن امریکایی است، نوشته‌اند. دنوینو برای بازی بهتر در نقش لاموتا چند جلسه با نم‌نم مشتزنی کرد و برای نشان دادن وضعیت بدنی لاموتا پس از افول وزن خود را ۳۰ کیلو زیاد کرد.

■ **«هوسیزر»**

دیوید انسنیو عاشق بسکتبال بود و همین دوست داشتن ورزش سبب شد او یکی از بهترین فیلم‌ها ورزشی تاریخ سینما را بسازد: دنیس هوپر، بارابارا هرشکی و مین هکمن بهترین بازی‌هایشان را در هوسیزر کردند. فیلم بر جنبه داستان واقعی یک تیم کوچک دبیرستانی در ایالت ایندیانا ساخته شد که در دهه ۱۹۵۰ به مقام قهرمانی رسیدند. موسیقی دلنشین جری گلداسمیت روی این فیلم بعدها بارها و بارها در سالن‌های بین‌المللی بسکتبال پخش شد.

■ **«بالبو»**

بالبو با بازی سیلوستر استالونه به نقش یک مشتزن درجه چندم و گمنام که به مقام قهرمانی می‌رسد، فیلمنامه را خود

دغدغه روشنفکری: در ستایش شکاکیت

آغاز تنهایی و غربت

سید یحیی ینبری

فضای شک، باشکوه، زیبا، غرور و غریز و در عین حال سراپا انگرانی و دلهره است. انسان در این مرحله همانند نوجوان ناپزورده‌ای است که ناگهان پناه خانواده و زندگی سراسر آرامش و آسایش خود را از دست داده، بار همه مشکلات و مسوولیت‌ها بر دوش بی تجربه او قرار گرفته باشد.
رای او دوران پخته‌خواری سیری شده و مرحله

«تیره رنج گنج میسر نمی‌شده» آغاز شده باشد. به هر حال یک حرکت سختی‌ها و رنج‌هایی را به دنبال خواهد داشت. این مرحله، خود مسائلی دارد که به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم:
۱- شک از کجا پیدا می‌شود؟ برای پیدایش شک عواملی لازم است، همانند هوش و استعداد و محیط و شرایط مناسب و لازم. اما این پیدایش و به دلیل وابستگی به شرایط و عناصر گوناگون و پیچیده، چندان قانونمند نیست. اندیشمندان بزرگ بشر شک و نقدشان، از عوامل و راههای مختلف پدید آمده، در شرایط گوناگون جوانه می‌زنند. در اینجا از ذکر نکته‌ای نمی‌گذرم و آن اینکه در دوران باستان به دلیل عدم ثبات سیاسی و تغییر مکرر اعتقادات عامه، بر اساس گرایش و خواست قاتلان و حکام، و نیز به دلیل بساطت ذهن مردم، عقاید دینی از پیوند استوار با ذهن و روح مردم برخوردار نبود. اما در شرایط کنونی جهان به دلیل تغییر در عوامل دین و دین‌داری، و راههای مختلف پدید آمده، در شرایط گوناگون جوانه می‌زنند. در اینجا از ذکر نکته‌ای نمی‌گذرم و آن اینکه در دوران باستان به دلیل عدم ثبات سیاسی و تغییر مکرر اعتقادات عامه، بر اساس گرایش و خواست قاتلان و حکام، و نیز به دلیل بساطت ذهن مردم، عقاید دینی از پیوند استوار با ذهن و روح مردم برخوردار نبود. اما در شرایط کنونی جهان به دلیل تغییر عیق تری یافته است. ۲- نقطه آغاز شک، جایی که ذهن، برخلاف ذهن انسان مفروض که در زبید از تقطای یعنی از یکی از این مجموعه‌ها جواره می‌زند، این نقطه، یک نقطه مشخص و قانونمند نیست. لذا هر کسی ممکن است نگرش تردیدآمیز و نقاده خود، را نسبت به باورهایش، از

در گذر زمان: سالروز تولد آنتونیونی

از نئورئالیسم تا نئوبورژوازی

احمد طالبی نژاد



وقتی یک آقای مسوول در جلسه‌ای یکی از جرم‌هایی که در مجله مرحوم «هفت» مرک‌تب شده‌ایم را پرداختن به دو جرئومه فساد در سینما یعنی آنتونیونی و بر گمان قلمداد کرد، دود از کلام بلند شد. با خود فکر کردم کارشناس محترمی که این قفره را هم در پرورنده قرار داده احتمالاً آنتونیونی را با هموطنش لاتنو پوزاککا اشتباه گرفته به. با آنکه گفتم ظفاً همین الان به یکی از ارژشی‌ترین فیلمسازان نظام زنگ بزنید و از او بخواهید نظرش را درباره آنتونیونی ابراز کند، اگر او هم تایید کرد این سسینماگر بزرگ و تاثیرگذار جرئومه فساد است، هر چه شما بگویید قبول به هر حال میکل آنجنلو آنتونیونی متولد ۱۹۱۲ از جمله سینماگران جوانی بود که در دهه ۱۹۵۰ ظهور کردند. تقریباً هم‌زمان با دوران رونق نئورئالیسم، او نیز مثل اغلب سینماگران نئورئالیست دلشجوی هم‌دوره تجربیاتی سینمایی در «م» بود که ما بدینم فارغ‌التحصیلان



سال پنجم: شماره پیاپی ۱۰۷۴، شماره ۱۵۰ دوره جدید ۷مهر ۱۳۸۹، ۲۰ شوال ۱۴۳۱، ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۰

قصه‌های مجید و مرادی کرمانی در ترکیه

«قصه‌های مجید» هوشنگ مرادی‌کرمانی به عنوان کتاب برگزیده سال در رشته ترجمه در کشور ترکیه شناخته شد. با منتخب شدن کتاب «قصه‌های مجید» در مدارس (تخیگان) ترکیه، هوشنگ مرادی کرمانی به دعوت انتشارات کلمه در آذرماه به این کشور سفر می‌کند. انتشارات کلمه ترکیه به مدت یک سال است که نسبت به انتشار آثار این نویسنده ایرانی در کشور ترکیه فعالیت دارد و در این مدت «مهرای شیرین» و سه‌جلدی «قصه‌های مجید» او، را برای دومین بار تجدید چاپ کرده است.

تهران : ماه ظهر ۱۱:۵۵ اذان ۱۸:۱۰ صبح فردا ۴:۳۵ طلوع آفتاب ۵:۵۸



شهر معدن

سیدعلی میرفتح
mirfattah@yahoo.com

قصیه این معدنچیان زیر آوار مانده شیلی را که لایذ شنیده‌اید. این بندگان خدا، بیچاره‌ها در عمق ۷۰۰متری زمین گیر کرده‌اند و قفلا ره نجات آنها به جایی نرسیده. بالاخره طول می‌کشد و زمان می‌برد که با دستگه‌های پیشرفته زمین را بکنند و نفی به آن ۱۷ معدنچی برزند. همه دعا می‌کنند و ما هم که ان‌شاءالله وسیله استخلاص این بندگان خدا فراهم شود. اما چیزی که جالب است اتفاقات حسیبانه‌ای ماجراست. یعنی ۷۰۰ متر بالاتر از «زیر آوارمان‌دان»، درست روی سطح زمین، اتفاقی دارد می‌افتد که به نظرم جالب است. ماجرا از همان صبحی که شیلیایی‌ها از زنده بودن این ۱۷ تن مطلع شدند، شروع شد. اول از همه پای رسانه‌ها باز شد و بعد سیاستمداران و بعد هم کشیشان و اربابان مسیحی و به دنبال آنها کارشمانان ناسا و... بعد هم گفتند اصلاً چه کاری است و این زن و بچه‌ها بروند خانه‌شان؟ همان جا ترتیبی دادند که محل اسکانی مهیا شود و جای زندگی این ۱۷ خانواده فراهم شود و دوری و مهاجوری در همان حداقل بماند و زیادت نشود. اما چپه مدرسه‌ای‌ای اینجا که نمی‌تواند بروند شهر درس بخواند و برگردد. همین امروز در خیرها خواندم که مدرسه‌ای هم زده‌اند تا بچه‌ها زیر نظر مادر و بالای سر پدر به درس و مشقشان بپردازند... از این به بعدش را کار سختی نیست که حدس بزنیم. حالا که مدرسه دارند، باید یک مغازه لوازم‌التحریر هم داشته باشند. در کنار مغازه یک بوفه بهداشتی هم باید باشد که به بچه‌ها هوله‌هوله‌های بهداشتی بفروشد. بچه‌ها که غفل درست و حسابی ندارند، سرد و گرم را با هم می‌خورند و دل‌درد می‌گیرند. نه، توی هوای درد پاییزی کم می‌بوشند و سرما می‌خورند و گرفتار می‌شوند. پس باید درمانگاه‌هم همان‌جا باشد که بهداشت و سلامتی خانواده‌ها را تضمین کند... اما این خانواده‌ها از زیر بته که به عمل نیامداند، کلی قوم و خویش دارند که می‌خواهند به دیدن‌شان بیایند. علاوه بر اینها انقدر توی خیرها درباره این قسمت از شیلیی حرف زده‌اند که خودبه‌خود منطقه‌ای ارتکتیو برای گردشگران را تبلیغ کرده‌اند. پس این جاعتی که می‌خواهند به آن منطقه بروند، معقول است که مهمانسرای، هتل، متلی، چیزی بسازند... به تجربه ثابت شده که هر کجا پای آدمیزاد باز شود، پای بزه و بزه‌کاری نیز باز می‌شود. آنجا را که نمی‌شود به امان خدا رها کرد، زمین آنکه ممکن است از آوارمانده‌ها دل‌شان برای فک رق و فامیل روی زمین‌شان شور بزند. پس بهترین کار این است که پلیس یک کلانتری دو نیش همان‌جا احداث کند و مراقب مال و جان و ناموس مردم باشد، جایی که بیمارستان دارد، مدرسه دارد، کلانتری و هتل دارد، آیا انصاف است که شهرداری نداشته باشد؟ پس یک ساختمان شهرداری هم می‌زنند و یک شهردار خوب و مردمی و سختکوش هم انتخ می‌کنند. دیگر سرتان را درد نیاروم. خودتان بهتر از این نم‌داید که این شهر و شهروندانش به چه چیزهایی نیاز دارند. لایذ یک لوپناکر می‌خواهند، سیستم حمل و نقل می‌خواهند، نمایندگی‌های ساسمونتگ و آل جی می‌خواهند، روزنامه محلی می‌خواهند، کارخانه نرپاستوریزی می‌خواهند، پلیس راهنمایی و رانندگی، بانک، مرکز خرید و... می‌خواهند. هر چیزی که شهر شما دارد، شیر کوچک آنها هم می‌خواهد. متأسفانه هر‌جا که تمدن شکل بگیرد، قاچاق و مواد مخدر هم مثل کرم به جان تمدن می‌افتد. کلمه این صفات تعلق خاطری هم به بیس و اسنف و اسموک دارند. پس یادمان باشد که در همین بوم‌ا بر دوستان شیلیایی‌مان توصیه کنیم که مقدم بر خیلی چیزها کنند. سانسدر را برزید. تکلیبک ترک اعتیاد را خودشان بعداً خواهند زد. این وسط چیزی را فراموش نکردیم؟ فکر کنم که دوستان‌مان در عمق ۲۰۰متری... نه، نه خدا کند، همه این کارها به خاطر آنها بوده. پس چه بهتر که مجسمه این معدنچیان را در میدان اصلی شهر نصب کنیم تا نوربسته‌ها کنارش بایستند و عکس بگیرند. حالا که آثار باستانی نداریم، معدن بگزاریم و گردشگران را با زندگی اسطوره‌های این شهر آشنا کنیم... راستی آیا در اعصاب دیگر شهیرها قهرمانی نبوده‌اند که از یاد رفته باشند؟ آیا در عمق ۲۰۰متری تهران، معدنچیان این شهر، خسته و پیر و ریش و مو بلندکرده، چشم‌انتظار آن نقب نیمه‌کاره نیستند که قرار بوده بزیم و نجات‌شان دهیم و از دل تاریکی بیرون‌شان بیآوریم؟

■ **سکانس آخر**

■ **«شک‌ها و لبخندها» در سینماهای امریکا**

پس از گذشت ۴۵ سال از ساخت فیلم سینمایی «شک‌ها و لبخندها»، نسخه دیجیتالی این فیلم در سطح گسترده در سینماهای امریکای شمالی به نمایش در خواهد آمد. نسخه دیجیتالی فیلم «شک‌ها و لبخندها» در چهار و پنجمین سال از سالگرد ساخت خود، از ۱۹ الی ۲۶ آکتبر (۲۷ مهر الی ۴ آبان)، در حداقل ۴۹۸ سالان سینما از مجموع سینماهای امریکای شمالی به نمایش در خواهد آمد. این فیلم که محصول کمپانی هالیوودی فاکس است در نسخه‌های دی‌وی‌دی با کیفیت عالی دوم نوامبر منتشر خواهد شد.

بازیگر «تایتانیک» در گذشت

گلوریا استوارت که کار در حرفه نمایش را در نخستین سال‌های ورود صدا به سینما آغاز کرد و بعدها مسن‌ترین بازیگر نامزد اسکار لقب گرفت، روز یکشنبه در لس‌آنجلس درگذشت. استوارت ۱۰۰ سال داشت و مبتلا به سرطان ریه بود. او سال ۱۹۹۷ در فیلم پر فروش «تایتانیک» به کارگردانی جیمز کامرون نقش زیر تریتم تپه‌ازمانده کشتی غرق‌شده «تایتانیک» را بازی کرد و برای این نقش آفرینی در ۸۷سالگی نامزد دریافت اسکار بهترین بازیگر زن مکمل شد.

مولاناخوانی در موسسه «معرفت و پژوهش»

موسسه معرفت و پژوهش به مناسبت بزرگداشت مولانا نخستنی با عنوان «حوسدت در کلام مولانا» بر گزار می‌کند و در این نشست مصطفی اکبرپناه سخنرانی می‌کند و در ادامه مراسم شعرخوانی و همناواری برگزار می‌شود. علاقه‌مندان برای شرکت در این مراسم می‌توانند روز پنجشنبه هشتم مهرماه از ساعت ۱۱ الی ۱۳ به موسسه معرفت و پژوهش واقع در میدان فلسطین، خیابان طالقانی غربی، خیابان سرپرست شمالی، کوچه تبریز، پلاک ۱۹ مراجعه کنند.

تبدیل به یکی از درخشان‌ترین‌های کارنامه پل نیومن شد. پل نیومن در نقش ادی فلسن بیللیاردباز جوانی است که سر از نیویورک درمی‌آورد و در مقابل سلطان بیللیارد امریکا قرار می‌گیرد. این فیلم یکی از بهترین فیلم‌های امریکا در دهه ۱۹۶۰ است و روایتی از قدرت نابودگر طمع که یکی از کامل‌ترین قصه‌ها و روایت‌های سینمای دهه ۶۰ نام گرفت. سکسن اولین بازی ادی با چکی گلپسن بارها ستوده شد. پایپر لوری و جرج سی‌اسکات از دیگر بازیگران این فیلم به کارگردانی رابرت راسن هستند.

■ **«ارابه‌های آتش»**

تحلیلی بسیار هوشمندانه از آنچه به یک قهرمانی وقتی پای پول در میان نیست، اهمیت می‌بخشد. فیلم به کارگردانی هیو هادسن بر مبنای داستان واقعی دو قهرمان انگلیسی ساخته شد که خود را برای حضور در مسابقات المپیک تابستانی سال ۱۹۲۴ آماده می‌کنند. «ارابه‌های آتش» نامزد هفت اسکار شد و چهار جایزه از جمله بهترین فیلم را برد. موسیقی ونچلیس فراموش‌ناشدنی است.

■ **«فرار به سوی پیروزی»**

قرار به سوی پیروزی فیلمی به کارگردانی جان هیوستن و به جرات مطرح‌ترین فیلم فوتبالی تاریخ سینماست. اسرای جنگی هم‌هادرسن بر مبنای داستان واقعی تیم زنجانی‌ها، تیم ارش آلمان را شد که خود را برای حضور در مسابقات المپیک تابستانی سال ۱۹۲۴ آماده می‌کنند. «ارابه‌های آتش» نامزد هفت اسکار شد و چهار جایزه از جمله بهترین فیلم را برد. موسیقی ونچلیس فراموش‌ناشدنی است.

■ **«فرار به سوی پیروزی»**

فرار به سوی پیروزی فیلمی به کارگردانی جان هیوستن و به جرات مطرح‌ترین فیلم فوتبالی تاریخ سینماست. اسرای جنگی هم‌هادرسن بر مبنای داستان واقعی تیم زنجانی‌ها، تیم ارش آلمان را شد که خود را برای حضور در مسابقات المپیک تابستانی سال ۱۹۲۴ آماده می‌کنند. «ارابه‌های آتش» نامزد هفت اسکار شد و چهار جایزه از جمله بهترین فیلم را برد. موسیقی ونچلیس فراموش‌ناشدنی است.

■ **«المپیا»**

المپیا اولین فیلم مستند تاریخ سینما درباره بازی‌های المپیک است. لئی ریفنشتال فیلمساز محبوب هنتر مانند «پیروزی اراده» فیلم ۱۹۳۴ خود، رویدادی واقعی را به رویدادی هنری تبدیل می‌کند و برای این کار بازی‌های المپیک ۱۹۳۶ برلین را دستمایه قرار داده است. اینکه «پیروزی اراده» ریفنشتال تبلیغی برای نازی‌ها بود غیرقابل تردید است. اما این فیلم با وجود همه نقدهایی که به آن وارد شد، همچنان در تاریخ سینما از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

آخرین پیشنهاد: کتاب «عوامل خیال»

عالم خیال و مساله کثرت فرهنگ‌ها

خسرو طالب‌زاده



موضوع و مساله فرهنگ و هنر آنچنان در علوم انسانی مدرن شاخ و برگ گرفته و رشد و گسترش یافته و روز به روز بر دفتر دانش و معلومات آن افزوده می‌شود که ماهی و همتایی رصد نکردن آخرین نظریات و ارا در این حوزه ادبی را «مده» (démode) می‌کنند و غریبه برای جریان «زمان از دست رفته» هم هستند و باید بگوشت تا کامروا شوی و به روز، مدهای نظریه‌های هنری و فرهنگی چیزی از مدهای محصولات هنری و فرهنگی کم ندارد و عجیب به هم شباهت دارند، چراکه نظر با عمل ربط وثیق دارد. گویی نظریه‌ها هم بپسان محصولات و اشیا دیگر صرف دارند و اعتبار نظریه‌ها هم بر پشت این کالا درج شده است و اگر کالاهای تاریخ گذشته را مصرف کنی، تاریخ خودت گذشته می‌شود و حس می‌کنی با لباس کهنه و پارۀ در خیابان و غرضه عمومی خود می‌زنی و همه نگاه‌های بدجو و تحقیرآمیز تو را می‌پایند. با این حال وقتی در جنگل علوم و دانش بسط‌یافته فرهنگ و هنر قدم می‌گذاری و درخت فرهنگ را نمی‌بینی، هنوز این پرسش تازگی دارد که فرهنگ چیست؟ اگرچه «فرهنگ» یک مفهوم انتزاعی است اما خود (انسان) محصول آن است. اگر انسان هم به معنای منفرده و هم جمعی موضوع فرهنگ است و فرهنگ مخلوق انسان، پس فهم و درک انسان و کشف آن نیز مبتدای درک و فهم فرهنگ است. ما به علوم یکنی است و مبرک و متحرک هم. با اگر انسان گذشته و حال و آینده دارد و موجودی تاریخی است، پس کشف و فهم آن نیز تاریخی است. انسان منهای تاریخ‌ش‌ء است و مخاطب و موضوع فرهنگ و هنر‌ش‌ء نیست. فهم و درک گذشته انسان، بی‌خواست و گفتوگو با ادبیات و فرهنگ و کشف گذشته ممکن نیست و خواست و فهم متون گذشته جز با تفسیر از نامقدور است. امروز بیش از هر زمان دیگری به فهم گذشته نیازمندیم تا حال خود را بشناسیم با بتوانیم با گفت‌وگو با خود و دیگری، حال را به آینده اتصال دهیم. کتاب عوامل خیال، اثر عربی و مساله اختلاف ادیان، و تحقیق و نوشته اسلام‌پژوه ویلیام چیتیک و با ترجمه روان و دقیق و عالمانه قاسم کاکایی (از نشر هرمس) از

درددل‌های غیررسمی: گپ چای و آمار در دفتر مدرسه

مشتاقان دانش منتظر شما هستند

شیرزاد عبدالبقی

«دکتر حاجی‌بابایی در مراسم بازگشایی سال تحصیلی جدید ضمن اشاره به عضویت خود در شورای عالی اشتغال کشور گفت: در سال جاری ۱۰۰ هزار شغل در آموزش و پرورش ایجاد شد که بر اساس آن ۴۰ هزار نیروی جدید فقط از طریق آزمون استخدامی وارد آموزش و پرورش شده‌اند.» خبر را

که خواندم سرفاکی دبیر تاریخ پرسید: منبع خبر؟ گفتم: سایت رسمی وزارت آموزش و پرورش. موسوی دفتدار سابق که حالا معاون اجرایی مدرسه شده، رفت پشت کامپیوتر و بعد از یک جست‌وجو گفت: خبر درست است. وزیر آموزش و پرورش عضو شورای عالی اشتغال کشور است و حل مشکل بیکاری مهم‌ترین هدف این شورااست. معاون اجرایی افزود: وزیر آموزش و پرورش در مدت ۱۰ ماه وزارت‌ش کل کشور را به جیب‌زدن مدارس و مراکز آموزشی و مراکز بهداشت و احتمالاً کارنامه او از وزاری دیگر برپارتر است. حسن‌زاده دبیر ریاضی گفت: وزیر به‌طور متوسط ماهی ۱۰ هزار شغل جدید در ایام کرد. دبیر فلسفه پرسید: چرا این خبر خوش را وزیر براساس بازگشایی مدارس و روز اول مهر بر زبان رانده است؟ جولایی که در آستانه بازنشستگی است، جواب داد: این امر نشانته درآوردنش وزیر و نویدی است به آینده‌سازان که نگران بازار کار بعد از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه نباشند. قلمی دوباره گفتم: وزیر به جای حل مشکل اشتغال، چرا مشکلات مدارس را حل

^[1] «قصه‌های مجید» هوشنگ مرادی‌کرمانی به عنوان کتاب برگزیده سال در رشته ترجمه در کشور ترکیه شناخته شد

^[2] «قصه‌های مجید» هوشنگ مرادی کرمانی به دعوت انتشارات کلمه در آذرماه به این کشور سفر می‌کند

^[3] انتشارات کلمه ترکیه به مدت یک سال است که نسبت به انتشار آثار این نویسنده ایرانی در کشور ترکیه فعالیت دارد